

## نخستین احصایه اماکن در ایران (تهران)

دکتر ناصر تکمیل همایون\*

### درآمد

روستای گمنام تهران واقع در شمال شهر باستانی ری نخستین بار نام و نشان آن در قرن سوم هجری در کتابهای تاریخی و جغرافیایی دیده شده، همواره در ارتباط با «ملک ری» و به عنوان نخستین دهکده شمالی آن شهر و به گونه «دروازه شمیرانات» یعنی، بخش کوهپایه قصران تاریخی، قرار داشته است. خانه‌ها و اماکن معیشتی این روستا به سان دیگر روستاهای منطقه شکل گرفته است و شهرت و معروفیت آن نیز هیچگاه به اندازه دهکده‌های همجوار، چون دولاب، طرشت، کن، ونک، فره‌زاد، اوین، تجریش و جز آنها نبوده است.

زکریا بن محمد بن محمود قزوینی جغرافی‌دان قرن هفتم هجری در باره سکونتگاههای مردم این روستای پرماجرایی آورده است:

«خانه‌های مسکونی در ده تهران، علی‌الاکثر خانه‌های زیرزمینی است و به لانه موش کور بسیار شبیه‌اند. هر گاه دشمنی از خارج هجوم آورد، تهرانی‌ها در این سوراخ‌موشهای زیرزمینی‌شان می‌خزند و از نظر ناپدید می‌شوند. دشمن روزی، دو روز، سه روز، چند روز که کسی را نمی‌بیند و لانه و سوراخها را نمی‌یابد، ناچار عقب می‌نشیند. اهل محل هر گاه دیدند که خطر رفع شده است از لانه بیرون می‌آیند و آن هنگام است که شیطان از دست آنها نعوذبالله می‌گوید.»<sup>(۱)</sup>

پس از یورش مغولان و ویران شدن ری، روستاهای منطقه از آن میان تهران، دگرگونی یافت و باغها و بستانهای «مشبک» در آن پدید آمد که بسیاری خانه‌ها و عمارتهای جدید را دربر گرفته بود.

کلاویخو<sup>(۱)</sup>، در ژوئیه ۱۴۰۴ میلادی چنین آورده است:

«شهر تهران محلی است بسیار پهناور و بر گرد آن دیواری نیست و جایگاهی خرم و فرح‌زاست که در آن همه وسایل آسایش یافت می‌شود. اما آب و هوای آنجا چنانکه می‌گویند ناسالم و در تابستان گرمای آن بسیار زیاد است.»<sup>(۲)</sup>

روستای بزرگ تهران که در دوره تیموریان به صورت شهرک درآمد بود، دارای «دوازده محله» کوچک بود که به احتمال به «دوازده خانواده» تعلق داشت.

در سال ۹۶۱ قمری شاه تهماسب صفوی به دلایل مذهبی (نزدیکی به امامزاده حمزه در جوار حضرت عبدالعظیم) و اهمیت سوق الجیشی فرمان صادر کرد تا در پیرامون آن بارویی با ۱۱۴ برج به عدد سوره‌های قرآن مجید، پدید آورند، و به قول امین احمد رازی: «به زینت بارو و هزاران اسواق (!) محلل گردید و سمت شهریت پذیرفت.»<sup>(۳)</sup>

در شهر جدید تهران با حصار در حدود پنج کیلومتر، چهار دروازه به سمت ری (قم و اصفهان) قزوین (آذربایجان و همدان) شمشیران (قصران و روستاهای کوهستان) و دولا (مازندران) پدید آمد و به مرور دو دروازه ارک و دولت در دوره شورش افغانها و کشمکشهای ملوک الطوائفی و یک دروازه نیز به سمت جنوب به نام محمدیه، در دوره محمد شاه قاجار بر آن افزوده شد. در درون آن قلعه دوزنق‌های نامنظم، باغها، عمارتها، خانه‌ها و پاره‌های ساختمانهای دولتی و سلطنتی و نظامی پدید آمدند و در مسیر تحولات شهری، پاتوقها، گذرها، میدانچه‌ها، کوچه‌های پیچ در پیچ محله، ارک (شمال) عودلاجان یا اودلاجان (شمال شرق) بازار و محله بازار (مرکز شهر)، سنگلج (غرب) و چالمیدان (جنوب) با معماری‌های گوناگون، حیات اجتماعی و فرهنگی یافتند و در هر محله‌ای مسجد، مکتب‌خانه و مدرسه، تکیه و امامزاده، آب‌انبار و سقاخانه و بازارچه و دکانهای مخصوص به‌سان غالب شهرهای سنتی ایران، شکل تاریخی و کارکردی خود را بیش و کم به دست آوردند.

سر توماس هربرت<sup>(۴)</sup> که در سال ۱۶۲۸ میلادی (۲۸-۱۰۲۷ ق) جمعیت تهران را میان بیست و پنج تا سی هزار تن (۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰) نوشته، چنین افزوده که این

1. Clavijo.

2. Sir Thomas Herbert.

جمعیت در سه هزار خانه سکونت داشته‌اند<sup>(۴)</sup> و این فضای شهری از ده سال پیش از آن زمان، به قول مینورسکی<sup>(۱)</sup> بزرگتر از شهر کاشان بوده است.<sup>(۵)</sup> در دوره آشوب (از سقوط صفویه تا جلوس قاجاریه)، تهران همچنان در تحول و دگرگونی قرار داشت و در زمان زمامداری کریم خان زند دیوانخانه تهران در درون ارگ، وضع سیاسی نوظهوری به دست آورد و با آغاز سلطنت قاجاریه (۱۲۱۲ ق / ۱۷۹۸ م) و پایتختی آن، روستای قدیمی یاد شده به صورت مرکز حکومتی و اداری قلمرو قاجاریه در ایران، موقعیت کاملاً جدیدی پیدا کرد.

### ۱. توسعه تهران به عنوان «پایتخت»

گزینش تهران به عنوان مرکز حکومتی، نخست موجب گردید که برای ایجاد قصرهای سلطنتی و بناهای دیوانی، معماران نامی ایران از گوشه و کنار کشور برای ساختن و پدید آوردن انواع عمارات و ساختمانها به پایتخت فرا خوانده شوند. همچنین با حمل مصالح گوناگون ساختمانی و سنگها و مرمرهای با ارزش حتی از شیراز، جبران پاره‌ای از کمبودها را بنمایند. در نتیجه تا نیمه سلطنت فتحعلی شاه عمارت‌ها و قصرها و بناهای دولتی، محله ارگ را به صورت منطقه‌ای ممتاز برای سکونت شاه و شاهزادگان و خانواده‌های سلطنتی و پاره‌ای از دیوانیان بزرگ درآورد. از سوی دیگر، به دلایل اقتصادی و برقراری نوعی امنیت در پایتخت، مهاجرت به سوی تهران آغاز گردید، به گونه‌ای که در دوره سلطنت فتحعلی شاه، جمعیت به پنجاه هزار تن (۵۰۰۰۰) رسید و مهاجران نیز برای خود خانه‌ها و عمارت‌ها برپا کردند و چهره قلعه قدیمی شاه تهماسبی را به صورت شهری گسترده با بازارها و اماکن اقتصادی و دینی و حکومتی درآوردند.

مناطق داخلی شهر، بیش از پیش در معرض آبادانی قرار گرفت و با آوردن آب کرج به پایتخت (در دوره صدارت حاج میرزا آقاسی) و ساختمان‌سازیهایی مذهبی و بازرگانی و بهداشتی و عام‌المنفعه و سلطنتی و دیوانی و سفارتخانه‌های جدید باز هم به

رونق شهر افزوده شد و این امر در دوره ناصری هم استمرار پیدا کرد.  
محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در ذکر وقایع سال ۱۲۷۳ قمری (۱۸۶۵ م) آورده است:

«چون جمعیت دارالخلافه باهره روزبروز زیاد می‌شود و برای موطنین به جهت ضیق مکان، صعوبت حاصل است، محض توسعه منزل و مقام آنها، از قلعه دارالخلافه بعضی اراضی خالصه باغات را که تقریباً چهل هزار ذرع می‌شود و معروف به باغ خسرو خان و باغ قورخانه و باغ امان‌الله خانی است با کل یا متعلق بها به محمد تقی خان معمارباشی واگذار کردند که هر کس در آن اراضی بخواهد از مشارالیه ابتیاع نماید» (۴). علاوه بر آن در بیرون شهر نیز خانه‌های بسیاری ساخته شدند و باغهای شهر نیز یکی پس از دیگری کوچکتر شده و درون آنها خانه‌سازی توسعه یافت. با این همه، تهران رو به گسترش نمی‌توانست در آن قلعه قدیمی بماند. اعتمادالسلطنه نیز به این مسأله توجه کرده و چنین آورده است:

«چون جمعیت و آبادی دارالخلافه نهایت رو به ازدیاد نهاده شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد. رأی صواب‌نمای ملوکانه اقتضا فرمود که وسعت مکانی برای اهالی حاصل آید، لهذا مقرّر فرمودند که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران یک هزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یک هزار ذرع وسعت دهند و کفایت این امر را به عهده جناب آقای مستوفی‌الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه موکول فرمودند و چند نفر از مهندسین را نیز مأمور تعیین حدود و طول و عرض خندق آن فرموده مقرر شد که قسمتی از خندق را حفر کنند که از برای مترددین معبر نباشد و شهر از آفت سیل مصون ماند».

او، سرانجام، پس از تهیه نقشه تهران افزوده است: «روز یکشنبه یازدهم شعبان [۱۲۸۴ ق / ۸-۱۸۶۷ م] در بیرون شهر در محاذی دروازه دولت، سرپرده مخصوص ذات مقدّس همایون را برپا نموده، وزراء و شاهزادگان حتّی وزرای دول خارجه مقیم دربار معدلت مدار در این محل در زیر چادرها جمع آمده، سلام عام منعقد گردید. بعد در موضعی که طرح خندق را ریخته بودند با کلنگی که از نقره و در کمال امتیاز ساخته شده بود، بندگان سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی کلنگی به دست مبارک بر زمین زده و

حضرت امجد شاهنشاهزاده والانايب السلطنه [کامران میرزا] نیز اقتدا به وجود مسعود مبارک کرده، ایشان هم کلنگی بر زمین زدند. از آن پس مأمورین به حفر خندق مشغول گردیدند و وزیر دارالخلافه متعهد شد که سه سال حفر خندق تمام شود. دور این شهر تخمیناً سه فرسنگ و نیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود. و از این روز شهر طهران موسوم به «دارالخلافه ناصری» گردید و میرزا محرم خلیفه مدرس زبان مدرسه مبارکه دارالفنون که در فن ماده تاریخ یدی طولی [طولانی] دارد تاریخ این بنا را چنین سرود:

طبع محرم با دل شاد از پی تاریخ گفت جاودان با فرّ یزدان باد شهر ناصری<sup>(۷)</sup>

## ۲. مقدمات احصایه

میرزا تقی خان امیرکبیر در دوره زمامداری خود، از روز تاجگذاری ناصرالدین شاه در دارالسلطنه تبریز (هیجدهم شوال ۱۲۶۴ قمری برابر چهارم سپتامبر ۱۸۴۸ میلادی) تا روز عزل (هیجدهم محرم ۱۲۶۸ قمری برابر سیزدهم نوامبر ۱۸۵۱ میلادی) در دارالخلافه تهران به مدت سه سال، در انجام هر نوع اصلاحات سیاسی و اجتماعی مفید و ایجاد دگرگونی‌های لازم در امور کشور و خدمات عمومی بر پایه فرهنگ ایرانی و ارزشهای برین دینی، از کوشش و تلاش دریغ نکرده است.

تهیه نقشه‌هایی چند از شهرهای ایران و انواع «دفترچه»های گوناگون و «مداخل» و «مخارج» و «مالیات» و ورود و خروج اشخاص به پایتخت و حتی تهیه هویت افراد «ناقص‌الاعضاء» و «فالج» و «اعوج» در شهر را می‌توان نمونه‌ای از اقدامات اجتماعی و مردم‌نگارانه وی به‌شمار آورد که گاه در منابع تاریخی عصر ناصری بدانها اشاره شده است.<sup>(۸)</sup>

اما نسخه نخستین احصایه اماکن در تهران، تاریخ ۱۲۶۹ قمری را دارد و با درنظر گرفتن اوضاع سیاسی پایتخت پس از قتل امیرکبیر در کاشان (هفدهم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ قمری برابر با دهم ژانویه ۱۸۵۲ میلادی) و موقعیت نابهنجار جانشین وی، میرزا آقاخان نوری و فراهم نبودن فرصت مناسب برای کارهای خاص فرهنگی - اجتماعی به احتمال نزدیک به یقین می‌توان دستور انجام این «آمارگیری» را به امیرکبیر نسبت داد و هم او

بود که برای جمع‌آوری مالیات و نظم امور مالیاتی به آگاهی کامل از عدد نفوس و بناها نیاز داشته است.<sup>(۹)</sup>

نام و نشان فراهم آورنده «نخستین احصاییه» یاد شده معلوم نیست، و عنوانی که بر آن نهاده شده، عبارت است: «صورت عددخانه‌ها و سایر بناهای دارالخلافه باهره تهران».

این سند تاریخی که در سال سیچقان‌نیل مطابق سنه ۱۲۶۹ قمری (۵۳-۱۸۵۲ م) تهیه شده در مجموعه ادوارد براون<sup>(۱۱)</sup> (K9) در دانشگاه کمبریج (نسخه خطی شماره ۹۱) نگهداری می‌شود و فیلم آن بشماره ۸۴۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. نوع خط این دست نوشته «نستعلیق» است و اعداد و ارقام آن نیز به سبک همان روزگار به صورت «سیاق» آورده شده است.<sup>(۱۰)</sup>

### ۳. بررسی داده‌های احصاییه

فراهم آورنده متن گرانبهای یاد شده، در دو شکل داده‌های خود را ارائه کرده است: نخست، مجموعه شهر تهران.

دوم، محله‌های تهران.

در پژوهش کنونی به هر یک از دو شکل پرداخته شده است.

نخست - «خانه‌ها و سایر بناهای دارالخلافه تهران» (در جمع) و بر روی هم

الف. بیوتات ۸۶۹۷ دست فی ۷۸۷۴ باب

- خانه‌هایی که صاحب آنها نوکر هستند، ۲۵۸۵ فی ۲۵۲۸ باب به شرح زیر:

- خانه‌های مشتمل بر چهار دست و پنج دست حیاط - ۸۶ دست فی ۲۰ باب.

- خانه‌های مشتمل بر یک دست و دو دست و سه دست حیاط - ۲۴۹۴ دست فی

۲۰۰۸ باب.

- خانه‌هایی که مالک آنها رعایا هستند، ۶۱۱۷ دست فی ۵۸۴۴ باب به شرح زیر:

- رعایا و کسبه ۵۸۳۹ دست فی ۵۵۷۵ باب.

- ارامنه و تراکمه و یهود ۳۷۸ دست فی ۲۶۹ باب.

ارامنه ۱۵۸ دست فی ۹۶ باب.

تراکمه ۴۴ باب.

یهود ۱۳۴ دست فی ۱۲۹ باب.

ب. تکایا و غیره ۴۹۰۰ باب

- تکایا و امامزاده و مساجد ۶۸۵ باب به شرح زیر:

- تکایا - ۵۴ باب.

- امامزاده - ۹ باب.

- مساجد - ۱۱۲ باب.

- مدرسه - ۱۹ باب.

- جبه‌خانه و دارالصناعه - ۴ باب.

- توپخانه و قورخانه مبارکه - ۴ باب.

- حمام (غیر از حمامهای سرخانه) - ۱۵۳ باب.

- مطب و جراحی - ۱۴ باب.

- مکتبخانه - ۱۴ باب.

- چاپخانه - ۱۲ باب.

- انبار دولت - ۲ باب.

- کاروانسرا و تیمچه - ۴۷ باب.

- ضرابخانه - ۱ باب.

- طولیله‌های خارج از خانه‌ها - ۱۶۵ باب.

- آب انبار - ۷۰ باب.

ج. دکاکین ۴۲۲۰ باب

- دکانه‌های دایر ۳۷۹۱ باب (این بند به لحاظ مشاغل و حرفه‌های گوناگون مردم تهران از

اهمیت ویژه‌ای برخوردار است).

- دکانه‌های بایر ۴۲۹ باب به شرح زیر:

- بسته ۱۲۲ باب.
- خالی ۱۵۴ باب.
- ناتمام ۸۲ باب.
- مخروبه ۶۱ باب.

دوم - «خانه‌ها و سایر بناهای دارالخلافه تهران» (برحسب محله‌ها)  
فراهم آورنده نسخه احصاییه، در بخش دوم برحسب محله‌های تهران، داده‌های خود را  
جداگانه نظم داده که در زیر به آن پرداخته شده است:

#### ۱- محله ارک (غیر از خانه‌های دولت ابدمدت و خانه‌های جناب صدراعظم)

بیوتات ۲۷۵ دست فی ۲۲۲ باب.

- خانه‌های نوکر ۷۰ دست فی ۲۷ باب
  - خانه‌های رعایا و ترکمانها ۲۰۵ باب
- تمام خانه‌ها با نام و نشان

در این محله خانه‌ها اغلب مشتمل بر چند دست (از دو تا پنج) حیاط بوده است.  
سایر از قبیل تکیه و مسجد و غیره‌ها ۱۷ باب به شرح زیر:

- تکیه ۳ باب.
- مدرسه ۲ باب.
- مسجد ۳ باب.
- توپخانه مبارکه ۲ باب.
- انبار ۲ باب.
- امامزاده ۲ باب.
- جبه‌خانه قدیم ۱ باب.
- طبیب‌خانه ۱ باب.
- زمین بایر ۱ تکه.
- چاپخانه ۱ باب.

دکاکین ۱۲۸ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها).



حمام ۱۴ باب.  
طویله (خارج از خانه) ۲۲ باب.

## ۲. محله عودلاجان

بیوتات ۲۹۰۷ دست فی ۲۶۱۹ باب.

تمام خانه‌ها با نام و نشان {  
- خانه‌های نوکر ۱۱۷۳ دست فی ۹۵۸ باب  
- خانه‌های رعایا ۱۷۳۴ دست فی ۱۶۶۱ باب

در این محله پاره‌ای از خانه‌ها مشتمل بر چند دست حیاط بوده و در پاتوق‌ها و گذرهای زیر قرار داشته است:

- پاتوق حیاط شاهی و محله عرب‌ها - ۷۷۴ دست فی ۶۷۲ باب.

- خانه‌های دروازه شمیران - ۵۰۰ دست فی ۴۴۰ باب.

- سرچشمه - ۱۱۵۹ دست فی ۱۰۵۸ باب.

- گذر عودلاجان - ۳۱۴ دست فی ۲۹۴ باب.

- خانه‌های آرامنه و یهود - ۱۶۰ دست، فی ۱۵۵ باب.

سایر متعلقات (غیر دکاکین) ۱۵۵ باب به شرح زیر:

- تکایا ۱۲ باب.

- مساجد ۳۴ باب.

- مدارس ۴ باب.

- حمام ۵۲ باب.

- امامزاده ۱ باب.

- کاروانسرا ۱۶ باب.

- طویله خارج از خانه‌ها ۳۳ باب.

- چاپخانه ۲ باب.

- آب انبار ۳۳ برکه.

دکاکین ۱۱۴۶ باب به شرح زیر:

دایر - ۱۰۱۶ باب (با نام و نشان و مشاغل و حرفه‌ها).

- بایر - ۱۳۰ باب (بسته ۳۴ باب - خالی ۹۴ باب - مخروبه ۲ باب).
- دکاکین این محله در پاتوق‌ها و گذرهای زیر قرار داشته است:
- دکاکین پاتوق محله عربها و حیاط شاهی و غیره - ۲۹۰ باب.
- دکاکین پاتوق پامنار و راسته دروازه شمیران ۲۷۶ باب.
- دکاکین سرجلنبک ۱۴۲ باب.
- دکاکین سرچشمه ۲۳۹ باب.
- دکاکین سرگذر عودلاجان ۱۹۱ باب.
- دکاکین محله یهودی‌ها ۱۸ باب.

### ۳. محله بازار

بیوتات ۲۰۲۸ دست فی ۱۵۲۴ باب

- خانه‌های نوکر ۳۹۰ دست فی ۳۰۲ باب
- خانه‌های رعایا ۱۳۳۷ دست فی ۱۲۲۲ باب

در این محله بسیاری از خانه‌ها مشتمل بر چند دست (از دو تا پنج) حیاط بوده و در پاتوق‌ها و گذرهای زیر قرار داشته است:

- گذر غریبان ۲۱۰ دست فی ۱۵۴ باب.

- گذر تکیه قاطرچی‌ها و میان گود ۱۲۵ دست فی ۱۲۱ باب.

- خانه‌های آرامنه ۳۰ دست فی ۲۸ باب.

- کوچه خرقانی‌ها ۳۹ باب.

- گذر عباس‌آباد ۲۳۴ دست فی ۲۲۸ باب.

- پاتوق ملک‌آباد ۱۶۴ دست فی ۱۵۲ باب.

- گذر سید ناصرالدین ۵۳ دست فی ۴۷ باب.

- گذر خداآفرین ۱۸۲ دست فی ۱۶۲ باب.

- گذر حمام‌چال ۱۲۰ دست فی ۹۶ باب.

- گذر پاچنار ۲۸۹ دست فی ۲۴۴ باب.

- گذر مسجد جامع ۱۰۹ دست فی ۸۸ باب.

- گذر تکیه نوروزخان ۱۲۲ دست فی ۱۰۱ باب.
- سایر متعلقات (غیر دکاکین) ۱۵۰ باب به شرح زیر:
  - امامزاده ۳ باب.
  - تکایا ۱۷ باب.
  - مساجد ۲۹ باب.
  - مدارس ۶ باب.
  - حمام ۳۰ باب.
  - طویله‌های خارج از خانه ۴۵ باب.
  - آب‌انبار ۲۰ برکه.
- دکاکین ۶۸۵ باب به شرح زیر:
  - دایر ۵۲۸ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها)
  - بایر ۱۳۷ باب (بسته ۹۱ باب - خالی ۵۲ باب، ساخته شده ۴۴ باب، ناتمام ۹ باب).
  - تیمچه قافله‌انداز ۱ باب.
  - کاروانسرای ناتمام و تمام ۲ باب.
- دکاکین این محله در پاتوق‌ها و گذرهای زیر قرار داشته است:
  - گذر حمام چال ۶۱ باب.
  - گذر خداآفرین و هفت تن ۶۵ باب.
  - دروازه شاهزاده عبدالعظیم و تکیه قاطرچی‌ها ۷۵ باب.
  - در مسجد جامع وقفی و غیره ۱۰۰ باب.
  - تکیه نوروزخان ۴۴ باب.
  - گذر عباس‌آباد ۱۲۴ باب.
  - باچنار ۱۲۶ باب.
  - گذر سید ناصرالدین ۲۵ باب.
  - گذر پاچنار - کوچه غریبان ۱۲۶ باب.
  - گذر ملک‌آباد ۳۷ باب.

## ۴. محله سنگلج

بیوتات ۲۰۲۸ دست فی ۱۶۹۵ باب

تمام منانه‌ها با نام و نشان {

- خانه‌های نوکر ۱۵۳۹ دست فی ۷۵۱ باب
- خانه‌های رعایا ۹۸۹ دست فی ۹۴۴ باب

خانه‌های این محله در گذرهای زیر قرار داشته است:

- گذر گلبن‌دک (گل‌بن‌دک) - ۴۵۲ دست فی ۲۰۸ باب.

- گذر قورخانه - ۱۷۵ دست فی ۱۶۵ باب.

- گذر افشارها - ۲۴۹ دست فی ۲۳۱ باب.

- گذر دباغها - ۲۴۱ دست فی ۲۲۷ باب.

- گذر درب‌خوانگاه - ۲۸۸ دست فی ۲۲۶ باب.

- گذر پایین (جمعی حاج فرج) ۶۱۷ دست فی ۴۸۵ باب.

سایر متعلقات (غیر دکاکین) ۶۹۷ باب

- چاپخانه ۲ باب.

- تکایا ۱۲ باب.

- مساجد ۲۱ باب.

- مدارس ۶ باب.

- حمام ۳۳ باب.

- طویله‌های خارج از خانه ۵۲ باب.

- آب انبار ۱۹ برکه.

دکاکین ۵۵۲ باب به شرح زیر:

- دایر ۵۱۶ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها).

- بایر ۲۵ باب (بسته ۲۴ باب، خالی و مخروبه ۱۱ باب).

دکاکین این محله در گذرها و پاتوق‌های زیر قرار داشته است:

- چاله حصار [و اطراف آن] ۴۱ باب.

- گذر قورخانه مبارکه ۳۱ باب.

- بازارچه صندوقدار ۶۹ باب.

- ۶۹ باب {
- چهار راه گلبنک ۵۰ باب.
  - قورخانه [گذر مهدی حاجی علی بقال] ۱۸ باب
  - قورخانه [گذر عباسقلی خان] ۲۸ باب
  - قورخانه [گذر کندشلوها] ۲۳ باب
  - دباغخانه ۴۰ باب.
  - درب خوانگاه ۷۶ باب.
  - سرآب بخشکن ۵۱ باب.
  - کوچه پایین ۱۲۵ باب.

## ۵. محله چالمیدان

بیوتات ۱۸۰۲ باب.

- تمام خانه‌ها با نام و نشان {
- خانه‌های نوکر ۲۷۹ باب
  - خانه‌های رعایا ۱۵۲۳ باب

خانه‌های این محله که به وسعت و بزرگی محله‌های دیگر نبود، در گذرها و پاتوق‌های زیر قرار داشته است:

- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی
- چالمیدان ۸۰۲ باب.
  - پاتوق سرپولک ۲۷۵ باب.
  - پاتوق درب حمام خانم ۴۲۰ باب.
  - پاتوق در باغ بسته بیک ۳۰۵ باب.
  - سایر متعلقات (غیر دکاکین) ۶۰ باب.
  - امامزاده ۲ باب.
  - مساجد ۲۰ باب.
  - تکایا ۱۰ باب.
  - حمام ۱۶ باب.
  - طویله‌های خارج از خانه ۱۲ باب.
  - دکاکین ۵۱۲ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها)

چاپخانه ۵ باب - دکان ۵۰۷ باب).

### ۶. بازار

- کاروانسرا ۱۷ باب.

- تیمچه ۳ باب.

- مسجد بزرگ و کوچک ۵ باب.

- حمام ۷ باب.

- سقاخانه ۴ باب.

- جبه‌خانه ۲ باب.

- چهل‌تن امامزاده ۱ باب.

- ضرابخانه ۱ باب.

- مدرسه ۱ باب.

- قیصریه ۱ باب.

دکاکین ۱۲۳۶ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها - تعلقات و نوع مالکیت - وقف و موقعیت محلی).

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

### ۷. آبادی بیرون دروازه‌ها

- خانه ۱۱۵ باب.

- دکان ۲۰۴ باب (دایر ۱۵۲ باب - بایر ۵۲ باب).

- مسجد ۳ باب.

- کاروانسرا ۱۱ باب.

- حمام ۳ باب.

- طویله ۵ باب.

- کوزه‌گری و گچ‌پزی ۳۳ دستگاه.

- باغ ۱۲ قطعه.

**دروازه محمدیه**

- خانه ۷۵ باب در محله موسوم به محمودیه (تمام خانه‌ها با نام و نشان)
- دکان ۹۰ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها)
- کاروانسرا ۶ باب.
- حمام ۱ باب.
- طویله ۱ باب.

**دروازه شاهزاده عبدالعظیم**

- خانه ۱۰۰ باب (با نام و نشان).
- مسجد ۱ باب.
- دکان ۷۶ باب (دایر ۲۷ - بایر ۴۹ باب، با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها).
- کوره کوزه‌گری و گچ‌پزی ۲۰ دستگاه
- کاروانسرا ۲ باب.

**دروازه دولاب**

- دکاکین ۷ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها).
- کوره کوزه‌گری و گچ‌پزی ۱۲ دستگاه.

**دروازه شمیران**

- خانه ۴۱ باب (با نام و نشان).
- دکان ۲۰ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها).
- باغ ۹ قطعه.
- مسجد ۱ باب.

**محله بربری‌ها**

- خانه ۲۹ باب (با نام و نشان).

- دکان ۶ باب (با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها).

- مسجد ۱ باب.

**دروازه دولت**

- باغ سه قطعه

**دروازه قزوین**

- خانه ۱۶ باب (بدون نام و نشان).

- کاروانسرا ۲ باب.

- دکان ۱۴ باب (دایر ۱۱ باب، بایر ۳ باب، با نام و نشان مشاغل و حرفه‌ها).

### حاصل سخن

در نخستین احصاییه اماکن از شهر تهران در آغاز عصر ناصری چند مسأله اجتماعی (مردم‌نگاری و شهرشناختی) توجه علاقه‌مندان تاریخ معاصر ایران را به خود جلب کرده که به هر یک از آنها در بندها و جداول صفحه بعد پرداخته شده است:

۱. تهران در دوره پایتختی توسعه چشمگیری یافته است، به طوری که نه تنها زمینهای حصار شاه تهماسبی و باغهای مشهور شهر، یکی پس از دیگری به صورت انبوه خانه و عمارت‌ها و سکونتگاه‌ها درآمد، بلکه جمعیت به بیرون دروازه‌ها نفوذ کرده و برای خود خانه و کاشانه و اماکن شغلی و رفاهی و مذهبی پدید آورده‌اند که جداول صفحه بعد چگونگی آنرا آشکار ساخته است.



الف. عدد کل بناهای گوناگون در دورن حصار تهران

نوع بنا	باب	نوع بنا	باب
بیوتات	۷۸۷۲	مطب و جراحی	۱۴
دکاکین	۴۲۲۰	مکتبخانه	۱۴
تکایا	۵۴	چاپخانه	۱۲
امامزاده‌ها	۹	انباردولت	۲
مساجد	۱۱۲	توپخانه و قورخانه	۴
کاروانسرا و تیمچه	۴۷	آب‌انبار	۷۰
حمام‌ها	۱۵۲	-	-

ب. عدد کل بناهای گوناگون در برون حصار تهران

نوع بنا	شماره	نوع بنا	شماره
خانه	۳۷۶ باب	باغ	۲۴ قطعه
دکان	۴۱۷ باب	کاروانسرا	۲۲ باب
مسجد	۶ باب	کوزه‌گری و گچ‌پزی	۶۶ دستگاه
حمام	۴ باب	طویله	۶ باب

ج. پراکندگی خانه‌ها و دکانها برحسب محله‌های درونی حصار تهران

محله	خانه	دکان
ارگ	۲۳۲	۱۲۸
عودلاجان	۲۶۱۹	۱۱۴۶
بازار	۱۵۲۴	۶۸۵
سنگج	۱۶۹۵	۵۵۲
چالمیدان	۲۳۲	۱۲۸

۲. جمعیت شهر، به لحاظ تعلق به دولت و دیوان به دو گروه اجتماعی نوکرها (صاحبان مشاغل دولتی و وابستگان به نظام) و رعایا (ساکنان شهر و صاحبان مشاغل آزاد) تقسیم شده‌اند.

کسبه و تجار بیشتر در محله بازار سکونت داشته‌اند و در محله ارگ، امیران و خوانین و نوکران بلندپایه و برخی از علما و گروهی از ترکمن‌ها (به دلایل حکومتی) و عده قلیلی از رعایا ساکن بوده‌اند.

پراکندگی جمعیت به لحاظ مشاغل اجتماعی و دیوانی به گونه‌ای نبوده است که محله یا گذری از شهر فقط به «اعیان و اشراف» تعلق یابد و ناحیه دیگر فقط سکونتگاه رعایا یا تهیدستان شهری گردد. با آنکه تفاوت‌هایی میان ساکنان ارگ و بخشهایی از محلات شهر با ساکنان چالمیدان (و به‌مرور ساکنان بیرون دروازه‌ها) پدید آمده، اما در هر محله‌ای گروه‌های گوناگون اجتماعی زندگی کرده‌اند و مذهب و فرهنگ جامعه و ساختارهای معماری - اجتماعی هر محله‌ای، به نوعی خاص شرایط ادغام و درهم آمیزی جمعی را فراهم آورده است.

جداول زیر چگونگی این امر تاریخی را آشکار کرده است.

#### الف. عدد خانه‌های متعلق به نوکرها و رعایا برحسب محله‌ها

رعایا	نوکرها	محله
-	-	ارگ
۱۶۶۱	۹۵۸	عودلاجان
۱۲۲۲	۳۰۲	بازار
۹۴۴	۷۵۱	سنگلج
۱۵۲۴	۲۷۹	چالمیدان

## ب. عدد خانوارهای مستأجر در گروه‌های اجتماعی برحسب محله‌ها

محله	نوکر	رعایا	کل
ارگ	-	-	-
عودلاجان	۲۶۹	۸۸۲	۱۱۵۲
بازار	۲۳	۱۰۷	۱۴۰
سنگلج	۹۲۴	؟	۹۲۴
چالمیدان	۷۵	۴۹۲	۵۶۸
جمع	-	-	۲۷۸۴

## ج. عدد خانه‌های اجاره‌ای متعلق به گروه‌های اجتماعی برحسب محله‌ها

محله	نوکر	رعایا	کل
ارگ	-	-	-
عودلاجان	۱۳۳	۴۹۸	۶۳۱
بازار	۲۳	۱۰۷	۱۴۰
سنگلج	۴۶۱	-	۴۶۱
چالمیدان	۶۵	۲۰۷	۲۷۲
جمع	-	-	۱۶۰۴

۳. پاره‌ای از محله‌ها (گذرها، کوچه‌ها) به اقلیت‌های قومی یا دینی، اختصاص یافته است. پیروان ادیان آسمانی ترجیح داده‌اند به دلایل اجتماعی و فرهنگی و نزدیکی به معابد خود در کنار یکدیگر زندگی کنند، یهودی‌ها در محله عودلاجان، مسیحی‌ها (ارامنه) در بخشهای غربی و جنوبی بازار سکونت گزیده‌اند.

اقلیت‌های قومی و همزبانان و مهاجران شهرها و مناطق مختلف کشور نیز بر پایه آشنایی‌ها و سهولت روابط اجتماعی در همزیستی محله‌ای قرار گرفته‌اند. افشارها در سنگلج و کُردها و خلیج‌ها و آذربایجانی‌ها و دیگران در محله‌ها و گذرها و کوچه‌های

دیگر تهران. همچنین کهکاه صاحبان پاره‌ای مشاغل در یک منطقه زندگی کرده و نام و نشان حصیربافها، قاطرچی‌ها، دباغها و جز اینها، در نسخه مورد بحث دیده شده است. جدول زیر عدد خانه‌های بخشی از گروه‌ها، قومیت‌ها و اقلیت‌های تهران را نشان داده است.

عدد خانه‌ها (بیوتات) متعلق به قوم‌های گوناگون و گروه‌های اجتماعی در تهران (۱۲۶۹ قمری)

باب	جمعیت
۹۶	ارامنه
۴۴	ترکمان
۱۲۹	کلیمی
۲۰۲۸	نوکر
۵۵۷۵	رعایا
۷۸۷۲	جمع

۴. توسعه تهران و افزایش جمعیت، موجب سکونت در بیرون دروازه‌های شهر گردیده و هر یک از دروازه‌های آن روزگار با داشتن عملکردهای خاصی فضاها را طبیعی - اجتماعی خود را پدید آورده است.

در اطراف دروازه شمیران و دروازه دولت (شمال شهر) باغها و بوستانها، در اطراف دروازه قزوین و دروازه محمدیه (محل‌های مسافرت به استانهای مختلف کشور) کاروانسراها و طویله‌ها و پاره‌ای دکانها، و در اطراف دروازه شاهزاده عبدالعظیم و دروازه دولاب کوزه‌گری و گچ‌پزی و باغهای تره‌بار و جز اینها پدید آمده است. با این حال، جمعیت رو به‌تزايد پایتخت و آمدن مهاجران شهرستانها و موقعیت بین‌المللی و سیاسی که در دوره ناصرالدین شاه، شهر تهران به‌دست آورد، سرانجام موجب فروریزی حصارهای تاریخی عهد صفویه شد و «دارالخلافه ناصری» پدید آمد که خود پس از پنجاه سال با وضعی همسان «حصار باهره تهران» روبرو گردید.

## پی‌نویس:

۱. قزوینی (زکریا)، آثار البلاد و اخبار العباد ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هزار) (تهران، اندیشه جوان ۱۳۶۶) ص ۱۱۲ - ۱۱۳.
۲. سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۷) ص ۱۷۵.
۳. هفت اقلیم به اهتمام جواد فاضل (تهران).
۴. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صنوی ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران، زوار، ۱۳۳۴)، ص ۲۰۴.
۵. همانجا.
۶. اعتمادالسلطنه (محمد حسن خان)، مرآت البلدان به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷) ۱۲۴۲/۲.
۷. همان کتاب ۱۵۶۶/۳.
۸. وقایع اتفاقیه ش ۳۲.
۹. اتحادیه (منصوره) «رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری» - تحقیقات اسلامی (تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی ۱۳۷۴) سال دهم، ص ۳۳، ش ۱ و ۲.
۱۰. برای آگاهی بیشتر از این نسخه نفیس «صورت عدد خانه‌ها و سایر بناهای دارالخلافه باهره تهران» «آمار دارالخلافه تهران» به کوشش سیروس سعدوندیان، منصوره اتحادیه (نظام مافی) (تهران، نشر تاریخ ایران ۱۳۶۸) ص ۳۷ - ۳۴۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی